

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

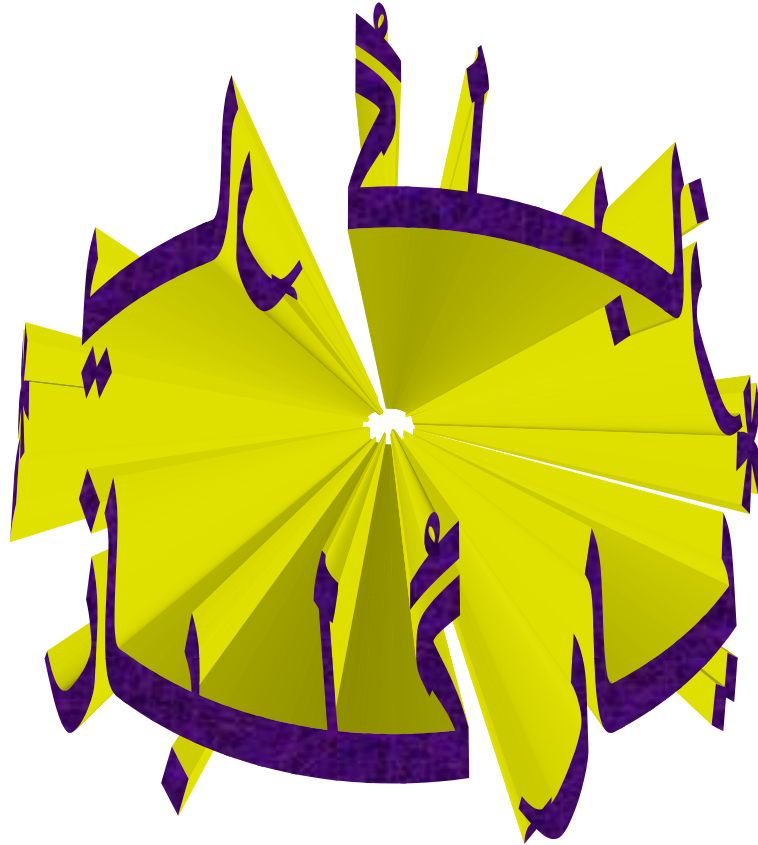
Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

۱۵ جون ۲۰۱۱

شهر اسن – المان



محترم (افضلی) عالیجناب
عرض اخلاص ما ، نما ایجاب
به حضورت سلام ما بپذیر
تا که خوشنود از تو ، ربّ وهاب
یک دو سه عکس جالبی ز شما

روی فیس بُک ، دیدمش ز صواب
خیمه و ، میز و ، چوکی و ، منقل
همه آماده ، چه کتاب و حساب؟
یک طرف روی میز ، بوتلکی
داخلش ، سرکه است ، یا که شراب
یا که ، کولا و ، بیر و ، یا فانتا
یا که پُر کرده ای ز خالص آب
گوشه ، ای ایستاده مشغولی
می ندانم که چیست ، بهر کباب
جگر ماست ، یا که سینه مرغ
یا دل ما ، که گشته پر ز حباب
موج گل هر طرف به جوش و خروش
سوسن و نرگس است و یاس و گلاب
اندران باغچه ، چه میله خوب
خوش سلیقه ، همه به آب و به تاب
مخمل سبز سبزه فرش شده
تا که جانانه ، پا نهد به شتاب
حیف و افسوس جای ما خالیست
تابه وصفش رقم ، هزار کتاب
طرف دست راست ، چیست ؟ بگو
دفتر کار ، یا که غرفه خواب
یا که اتاقی به بیل و کنگ
یا که پسخانه ای به کار ثواب
یا که گلخانه ، بهر گلبازی
یا که از بهر چنگ و تار و رباب
خانم محترم خبر دارد ؟
یا که بیچاره را به زیر حجاب
هوش کن باخبر نشه (سیمین)
تا ابد ، ورنه آب نُست سراب
بهر مسجد بگیره از تو به زور
با احادیث و آیه های ثواب
میگه اینجا بده ، به حشر بگیر
حور و غلمان به عوضش ز ثواب

ورنه در دوزخت کباب کنم
توبه ، سودی نبخشد و ، نه مُجاب
هر چه داری بده برای خدا
ثبت در دفترت کنم به زکاب
گر ترا است ریش و پشم و بروت
همه را اخته یکسره به خضاب
عالم دین میشوی به جهان
همچو سادات و چون رؤوف زباب
حال بنما هر آنچه خود دانی
گُرز آتش ، و یا که ، لعل مُذاب
احتیاطی ز « نعمت » هم لازم
تاز (سیمین) مبادا پاره قطاب